



«کتاب» برگزیده

کتاب فروشان زن دوره گره

مریم زندی، انقلاب ۵۷



مجید جلیسه

پژوهشگر و کتاب‌شناس

آمده است: «من روزی بر در خانه او [عمیدالملک] بنشسته بودم. زنی بگذشت و سبیدی پر از اوراق و کراریس و کاغذ کهنه بود، می‌فروخت. آن را اندک چیزی خریدم و چون اوراق را تفتیش کردم و در آن میان، دفتری یافتم چهل ورق به خط ابوعلی بن مقله [...]» (نخجوانی، ۱۳۵۷: ۲۶۲).

اطلاع ما از کتاب‌فروشان دوره‌گرد در ایران بسیار اندک و از این میان، از زنان کتاب‌فروش دوره‌گرد تقریباً هیچ است. از اوایل دوره قاجار، با گسترش صنعت چاپ و انتشار کتاب در تیراژهای بالا، آهسته‌آهسته شغل کتاب‌فروشی در ایران رو به توسعه نهاد تا بدان جا که تنها در تهران دوره ناصری، با جمعیتی حدود دویست هزار نفر، نزدیک به صد کتاب‌فروشی را می‌توان شمارش کرد که در مقایسه با جمعیت باسواد آن روزگار عدد درخور اعتنایی است. گفتنی است اواخر دوره قاجار مادام بارنثود کتاب‌فروشی خود را در خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی) راه‌اندازی می‌کند. این کتاب‌فروشی روبه‌روی بانک روس و ایران و مهمان‌خانه پاریس قرار داشت. این کتاب‌فروشی به جز فروش کتاب‌های ایرانی و خارجی، وظیفه فروش بلیت برای چند نمایش مختلف در سالن گراند هتل و مدرسه آلیانس را نیز عهده‌دار بود؛ چنان‌که آگهی‌های متعددی از این موضوع در روزنامه ایران در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ ش به چشم می‌خورد. در همان دوره ناصری، کتاب‌فروشان بساطی و دوره‌گرد نیز زیاد شدند. البته گزارش‌هایی که از این قبیل کتاب‌فروشان داریم، نشان می‌دهد که همگی مرد بودند. با وجود توسعه کتاب‌فروشی‌ها و ایجاد راسته‌های کتاب‌فروشی در تهران و حتی دیگر شهرها، فروش کتاب به صورت بساطی و سیار همچنان مرسوم است و این حرفه در دوره پهلوی و حتی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ش نیز، البته به شکل کاملاً مردانه، استمرار داشته است.

با وقوع انقلاب و ایجاد فضای باز سیاسی در آن دوران، چاپ و انتشار کتاب‌های سیاسی یا آثاری که تا پیش از آن محکوم به سانسور یا منتشرنشده بودند، توسعه و فراوانی زیادی پیدا کرد و همین موضوع موجب شد که بیکاران سیاسی جوان، چه مرد و چه زن، این قبیل آثار را پخش کنند و بفروشند. آنان پیاده‌روی مناطق مرفه مرکز، مثل روبه‌روی دانشگاه تهران، پارک لاله، پارک ملت، خیابان‌های کارگر و کشاورز و اطراف پارک‌های بزرگ عمومی را با کالاهای فرهنگی خود پر کردند. بعضی از آن‌ها محصولات قابل حملشان را روی یک ورق روزنامه

پیش از آنکه چیزی به اسم دکان و بعدتر بازار و راسته به وجود بیاید، یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های فروش دوره‌گردی بود؛ شیوه‌ای که هنوز هم به شکل‌های مختلف در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، مرسوم است. این قبیل فروشندگان را در طبقه فرودست جامعه دسته‌بندی می‌کنند. آن‌ها افرادی هستند که سرمایه کافی برای خرید مغازه و راه‌اندازی کسبی ثابت ندارند و ناگزیرند اجناسی را در دست بگیرند یا به دوش بکشند یا با استفاده از وسیله نقلیه‌ای حمل کنند و از جایی به جای دیگر ببرند و به مردم عرضه کنند. فروشندگان دوره‌گرد انواع متنوعی از کالاها را یا به صورت تجمیعی یا انحصاری و خاص به مردم عرضه می‌کردند.

کتاب از جمله کالاهایی بوده است که از سالیان دور فروشندگان دوره‌گرد، البته از نوع باسواد و آگاهش، به آن توجه داشته‌اند. در آن روزگار که هنوز کتاب‌فروشی به شکل امروزی‌اش قابل تصور نبود و شکل نگرفته بود، این فروشندگان بودند و حتی امروز هم هستند. فروشندگان دوره‌گرد می‌بایست تعداد درخور توجهی کتاب را که وزن سنگینی هم داشت، به دوش یا زیر بغل می‌گرفتند یا برروی چارپایان حمل می‌کردند و در گرمای تابستان و سرمای زمستان با پای پیاده به گوشه‌گوشه شهر یا از شهری به شهر دیگر می‌رفتند؛ کاری سخت و طاقت‌فرسا که در نگاه اول به نظر می‌رسد زمخت و مردانه است؛ اما جالب آنکه از سال‌های دور زنان نیز به این حرفه مشغول بوده‌اند. در کتاب تجارب السلف (ترجمه کتاب الفخری)، به نقل از ابوالحسن بن هلال،



با سردی و گرمی هوا به واسطه حضور در خیابان‌ها. این مسئله تا بدان‌جا ادامه یافت که تظاهرات تیر ۱۳۵۹ش که اتحادیه کتاب‌فروشان خیابانی و اتحادیه دکه‌داران خیابان مصدق سامان‌دهی کرده بود، به خشونت انجامید. این اعتراض چند روز طول کشید و تظاهرات به جلوی دفتر ریاست جمهوری و مرکز اجتماعات شهر کشیده شد؛ اما از آنجایی که چنین فعالیت‌هایی توطئه‌ای برای نامشروع جلوه‌دادن انقلاب تلقی می‌شد، با خشونت مواجه شد و چندین مجروح نیز بر جای گذاشت و یک تن از تظاهرکنندگان هم کشته شد (بیات، ۱۳۹۶: ۲۴۸ و ۲۶۹).

در سال‌های اول انقلاب بود که توجه زنان به نشر و کتاب‌فروشی جلب شد. زنانی چون منصوره اتحادیه شهلا لاهیجی، سیما کوبان و... پا به این عرصه گذاشتند در این میان، سیما کوبان، با تأسیس کتاب‌فروشی دماوند، به اولین زن کتاب‌فروش ایران معروف شد. طی سال‌ها بعد، زنان بسیاری، هم در جایگاه ناشر و هم در جایگاه کتاب‌فروش وارد این عرصه شدند؛ اما از زنان کتاب‌فروش دوره‌گرد و سیار خبر نداریم تا آنکه ناگهان طی یک دهه گذشته، شاهد حضور زنان در این حرفه هم شدیم.

طی دویست سال گذشته و بعد از صنعتی شدن کتاب به نظر می‌رسد به دلیل چهارچوب‌های دینی و نگ

پهن می‌کردند. بعضی دیگر نیز فقط با تابلوی ساده‌ای که روی آن اقلام در معرض فروششان، مثل کتاب و روزنامه، نوارهای موسیقی و سخنرانی‌های سیاسی، ذکر شده بود، در پیاده‌رو می‌ایستادند (بیات، ۱۳۹۶: ۲۴۷). در بعدازظهر یک روز گرم خرداد ۱۳۵۸ش، حدود سی تن از جوانان، زن و مرد، در پارک تئاتر شهر تهران دور هم جمع شدند تا راه‌های برخورد با تهدیدهای رسمی علیه کتاب‌فروشان خیابان را بررسی کنند. آنان درباره شیوه‌های تأسیس یک انجمن خیابانی و مکان استقرار آن بحث کردند و آیین‌نامه داخلی آن را به رأی گذاشتند. چهار مرد و یک زن به‌عنوان اعضای کمیته اجرایی انتخاب شدند. این چهار نفر عبارت بودند از: ترابی، سردابی، مقدسی، اصلاحی و اسکویی. انجمن کتاب‌فروشان خیابانی در راستای تضمین و تأمین موقعیت این کتاب‌فروشان در مقابل حملات شهرداری مبارزه می‌کرد و در عین حال می‌کوشید تا به مقامات به‌منظور ایجاد شغل برای اعضای انجمن فشار آورد (بیات، ۱۳۹۶: ۲۴۶). طی چند ماه نخست، انجمن کتاب‌فروشان خیابانی حدود دویست تن از دست‌فروشان را دور هم جمع کرد. از قرار معلوم تلاش این کتاب‌فروشان و اتحادیه آن‌ها برای جلوگیری از صدمات مختلف به جایی نرسید. این صدمات عبارت بودند از: مخالفت‌های شهردار در طول سال و مواجهه



بی کیفیت‌ترین شکل چاپ و صحافی شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که بعد از خرید، با تورقی ساده شیرازه کتاب از هم می‌پاشد و کتاب بدون استفاده می‌شود. دلان و سوداگران قیمت پشت جلد این کتاب‌ها را آن‌چنان گران می‌زنند که کتاب فروش دوره‌گرد بتواند با تبلیغ ۵۰ درصد تخفیف، آن‌ها را به مردم عرضه کند. به این ترتیب، حتی بعد از کسر این تخفیف و نیز درصد کتاب فروش دوره‌گرد، این دلان همچنان سودی دوچندان بیشتر از ناشران صاحب‌نام به جیب می‌زنند. کسبی سودجویانه است بدون هیچ نظارت کیفی و محتوایی، آن هم با سوءاستفاده از زنان و دخترانی که پی لقمه‌ای نان شرافت خود را در دست گرفته‌اند و گوشه‌گوشه شهر را درمی‌نوردند. نه حقوق قانونی دارند و نه بیمه و نه احترام.

● کتابنامه

بیات، آصف، (۱۳۹۶)، سیاست‌های خیابانی: جنبش تهی‌دستان در ایران، ترجمه اسدالله نبوی، تهران: شیرازه کتاب‌ما.

زندگی، مریم، (۱۳۹۳)، انقلاب ۵۷، تهران: مریم زندگی و مؤسسه فرهنگی و پژوهشی چاپ و نشر نظر.

هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی، (۱۳۵۷)، تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری.

سنتی جامعه به زنان، حضور این قشر در وادی نشر و کتاب آن‌چنان که باید و شاید توسعه نیافته است و هنوز هم این گروه در اقلیت‌اند. البته ورود زنان به این حرفه رو به فزونی است و طی دهه گذشته، شاهد حضور زنان در حرفه کتاب‌فروشی سیار نیز بوده‌ایم. این‌گونه به نظر می‌رسد که فروشندگی کتاب به صورت دوره‌گردی شغلی سخت و کاملاً مردانه است؛ چراکه کتاب‌فروش دوره‌گرد باید در گرما و سرما ساعت‌ها کتاب به دوش بایستد و راه برود و کتاب معرفی کند تا شاید خریداری قانع شود و کتابی از او بخرد. با وجود این، مدت‌هاست که زنانی کتاب به دست، کوله به دوش یا با چرخ دستی کوچک به کوچه به کوچه در منازل می‌روند و کتاب‌هایی را معرفی می‌کنند و می‌فروشند. خانه‌ها، مغازه‌ها و ماشین‌های گذری در پمپ‌بنزین‌ها از جمله پاتوق‌ها و مشتریان این کتاب‌فروشان دوره‌گردند. شکی نیست که دوره‌گردی شغلی شریف، مفید و محترم است و البته خیلی دلم می‌خواست که حضور زنان در این عرصه را به فال نیک بگیرم و از آن خوش‌حال باشم؛ اما زندگی زنان کتاب‌فروش دوره‌گرد روی دیگری نیز دارد.

در حال حاضر، زنان کتاب‌فروش دوره‌گرد قربانی بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی و ماحصل قانون‌گریزی‌های عده‌ای سودجو هستند که عمدتاً دختران جوان یا زنان سرپرست خانوار جویای کار را به استثمار می‌کشند و آنان را با عطشی سیری‌ناپذیر، با حقوقی ناچیز که فقط درصدی از فروش کتاب‌هاست، به کار می‌گیرند. این افراد سودجو که در قالب‌های پخش کتاب، ناشر یا کتاب‌فروش، زنان و دختران جوان را جذب می‌کنند، در حقیقت دلانی هستند که با شناسایی آثار پرفروش ناشران صاحب‌نام، عناوین شناخته‌شده و پرفروش را با ترجمه‌هایی بدخوان و پرغلط از مترجمانی تازه‌کار کتاب‌سازی می‌کنند. طرح جلد و رنگ‌های استفاده‌شده در این کتاب‌ها شباهت زیادی به آثار پرفروش ناشران دارد و از این رو، بسیاری در نگاه اول فریفته می‌شوند. به جز این روش، این دلان کتاب‌هایی زرد در موضوع‌هایی مانند روان‌شناسی و بازاریابی انتشار می‌دهند که نه تنها برای خوانندگان فایده‌ای ندارد و بر دانش آن‌ها نمی‌افزاید، بلکه باعث گمراهی و چه بسا کتاب‌زدگی افرادی می‌شود که تازه به کتاب‌خواندن روی آورده‌اند و از پیچیدگی‌های دنیای نشر و کتاب کمترین اطلاعی ندارند. بیشتر این کتاب‌ها روی نازل‌ترین کاغذها و با

بازارچه زنان

اسفندماه ۱۴۰۲ • شماره سی ام • قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

زن، دست‌فروشی، زندگی

• پرونده‌ای درباره زنان دست‌فروش

با گفتارها و نوشتارهایی از:

دکتر نفیسه آزاد

دکتر زهرا برومندفر

دکتر سعید پیوندی

دکتر سهیلا ترابی فارسانی

مجید جلیسه

دکتر عبدالمهدی رجائی

دکتر حسین صرامی

سپیده عزیزنی نژاد

دکتر سیمین کاظمی

دکتر فریبا نظری

و ...

